



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۸

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنجشنبه ۱۶ بهمنماه ۱۳۰۹ - ۱۶ رمضان المبارک ۱۳۴۹

قیمت اشتراک سالانه ۱۲۰ تومان
 خارج ۱۲۰ تومان
 داخل ۱۰۰ تومان
 تک شماره: یکقران
 علیه عاشر

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۹ هـ (شازدهم شهر دیماه ۱۳۰۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) طرح و تصویب لایحه ششم بودجه ۱۳۰۹ هـ
- ۳) لایحه اجازه هیات اوقات فتره ملغ
- ۴) فورسیت و لایحه حق العارضه و جوره دولتی
- ۵) شور نسبت به لایحه اصلاح مزدی اعیان خارجی
- ۶) موافق و دستور جلسه بعد - غنم جلسه

مجلس هفت ساعت و نیم بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس یکشنبه ۱۲ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

ولیس - آقای طهرانی -
 طهرانی - قبل از دستور -
 ولیس - آقای طباطبائی دیبا -
 طباطبائی دیبا - آقای دهری را در صورت چهار غالب
 بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مرض بودند بنده
 هم متذکر نبودم اجازه شازرا تقدیم کنم
 مجلس - در آن کلیات که راجع به تملک اعیان خارجی
 میشود. آقای روسی -
 بود بنده مخالفت کردم يك شرحی عرض کردم که فقط
 شاید يك مختصری او را که بی اهمیت بوده است ذکر
 کرده اند فقط از نقطه نظر توسعه زراعت و تسویق ارباب

۴ عین مذاکرات مشروح هشتمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه. (مطابق قانون ۸ آذر ۱۳۰۰ هـ در باره تدن نویسی و تقرر صورت مجلس)

۴ اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

- غائبین با اجازه - آقایان: تیمور غنم - عبدالعزیز خان دیا - بوهری - عدل
- غائبین بی اجازه - آقایان: رحمتا - آشتیانی - ابدی - آقا زاده - بزوفی - کاشانی - موافق - حاج محمد رضا پیرسلی
- آقایان: دهری - مژده - دکتر خیابانی
- در آبدکان با اجازه - آقایان: روسی - دهری - لورکانی
- در آبدکان بی اجازه - آقایان: دهری - حاج حسین آقا دهری - بیوس آقا و هلا زاده

الاحت و از این جهت چهارم، خوب است دولت بکنند
آقایان و اصلاح کنند زیرا که آن قسمتی که بنده عرض
کردم که چکنرین و غیر مذهب برین این بوده است که در
صورت مجلس ذکر شده است

رئیس - بطوریکه خاطر آقای مسیون است صورت
الصلب مجلس نامه نقلی آقای آرا عیناً ضبط میکنند (روحی
بدنام مسورت خلاصه نمایان باک چهر کوچک و خلاصه
ازطبق است در صورت مجلس نظری نیست؟ (نایندگان
خبر) صورت مجلس خوب شد

۲- طرح و تصویب متمم بودجه ۱۳۰۹ مجلس
رئیس - خبر کمیسیون محاسبات مجلس قرائت میشود:
خبر کمیسیون - کمیسیون محاسبات لایحه متمم بودجه
سال هزار و سیصد و هجده مجلس را با ملاحظه کامل تحت مطالعه
قرار داده و ماده واحده پیشنهاد اداره مباشرت را عیناً
تصویب نموده و خبر آرا فقیده میبارد
رئیس - ماده واحده قرائت میشود:

ماده واحده - برای تنه مخارج ۱۳۰۹ مجلس
شورای ملی مبلغ هفتاد هزار تومان بمباشرت مجلس شورای
ملی اعتبار داده میشود که از وزارت مالیه دریافت دارد
رئیس - وزیر مالیه در باب مجلس میخواستند اظهار
پار نمایند بفرماید

خبر مالیه - عرض میشود همانطور که الان عرض
کردم خود مجلس و اداره مباشرت مجلس بودجه خود را
یعنی تنه مخارج را پیشنهاد کرده اند و معلوم است
که دولت بموافقیت دارد و علی الراس باید اظهار شود و مجلس
را ما هم همانطور از صرفه جویی عیوی ملکیت پیدا کردیم
چون مجلس باید ذکر شود بنده عرض میکنم که مجلس
را ما هم بطور فرار داده بودیم و مذاکره هم شد با آقای
ارباب و موافق کامل هم حاصل است
رئیس - آقای یاسانی -

یاسانی - عرض میشود بنده میخواستم تذکر بدم
این فرمایشی که آقای وزیر مالیه فرمودند باینست در
متن خبر کمیسیون قید شود (صحیح است) بسلامت چون

بودجه هده السنة که بجلا تصویب شده است الان بقرم
بست خواستم آقای ارباب توضیح بدهند که این مبلغ
هفتاد هزار تومان ضمیمه مبلغی که سابق گذشته فتاوتی
بان یاسانی که در سال گذشته برای بودجه مجلس تصویب
شده است چیست و چقدر اواسطه اند صرفه جویی کنند؟
رئیس - آقای آراب -

ارباب کجسور - راجع به قسمت اول که سؤال شد
آقای وزیر مالیه موافقت فرمودند گمان میکنم که تکلیف
مجلس است که هر طور مقتضی باشد در ضمن لایحه
بکنجانند که این نظر را درست ببوراند پلی راجع
به قسمتی که آقای یاسانی سؤال فرمودند عرض کنم
بودجه سال ۱۳۰۸ شصت و نودوش هزار و سیصد و نود
در تومان بوده است. بودجه که امسال پیشنهاد کردیم
باصدو شش هزار و سیصد و پنجاه در تومان بوده است
بملاوه ده هزار و سیصد اعتبار برای مقبره فردوسی داده شده
از این میزان که حساب کردیم دولت هزار و چهل و نومان نسبت
به بودجه سال گذشته کمتر است این هفتاد هزار تومان
که تصویب شود بمذللک صد و سی هزار تومان کمتر از
بودجه سال گذشته بوده است (صحیح است)
رئیس - آقای ملک مدنی نظری دارید؟

ملک مدنی - خبر
رئیس - آقای روسی
روسی - عرضی ندارم
رئیس - ماده واحده را با افزایش جمله که موافق
دارد و وزارت مالیه با اداره مباشرت قرائت میکنند بعداً
بورقه میکشیم:

ماده واحده - برای تنه مخارج ۱۳۰۹ مجلس
شورای ملی مبلغ هفتاد هزار تومان از محل صرفه جویی
سال ۱۳۰۹ ملکیت بمباشرت مجلس شورای ملی اعتبار
داده میشود که از وزارت مالیه دریافت دارد
رئیس - آقای وزیر مالیه بنظر شما موافق است؟

وزیر مالیه - بل
رئیس - موافقتین و رفته سفید خواهند داد

ارباب کجسور - راجع به قسمت اول که سؤال شد
آقای وزیر مالیه موافقت فرمودند گمان میکنم که تکلیف
مجلس است که هر طور مقتضی باشد در ضمن لایحه
بکنجانند که این نظر را درست ببوراند پلی راجع
به قسمتی که آقای یاسانی سؤال فرمودند عرض کنم
بودجه سال ۱۳۰۸ شصت و نودوش هزار و سیصد و نود
در تومان بوده است. بودجه که امسال پیشنهاد کردیم
باصدو شش هزار و سیصد و پنجاه در تومان بوده است
بملاوه ده هزار و سیصد اعتبار برای مقبره فردوسی داده شده
از این میزان که حساب کردیم دولت هزار و چهل و نومان نسبت
به بودجه سال گذشته کمتر است این هفتاد هزار تومان
که تصویب شود بمذللک صد و سی هزار تومان کمتر از
بودجه سال گذشته بوده است (صحیح است)
رئیس - آقای ملک مدنی نظری دارید؟

رئیس - عده حاضر در موقع اخذ رأی لود و بک
با کثرت ۸۳ رأی تصویب شد
۳- لایحه اجازه معاملات ادوات ملخ
رئیس - خبر کمیسیون بودجه قرائت میشود:
خبر کمیسیون

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۳۸۵۵۲ در وقت راجعت
شود و مطالبه قرار داده و بالاخره ماده واحده پیشنهادی
را با اصلاحی تصویب و ابانک بشهادت مجلس شورای ملی
میتواند
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است اموال و اشیای
را که از اول اردیبهشت تا نوزدهم تیرماه ۱۳۰۸ توسط
مأمورین دولت شوروی برای دفع ملخ وارد شده از اذیتات
راه و حقوق و عوارض گمرکی معاف نماید

رئیس - آقای یاسانی
یاسانی - عرض کنم بعقیده بنده این خبر مربوط
به کمیسیون بودجه نبوده است مربوط به کمیسیون قوانین
مالیه است برای این که معافیت گمرکی و وضع گمرک و
وضع مالیات، اتمام مالیات همیشه مربوط بوده است به
کمیسیون مالیه و کمیسیون بودجه هم همیشه این موافقت
میکرده است از جهت نظر خرج ولی اصلاً وضع اتمام
مالیات از وظایف و تخصص کمیسیون قوانین مالیه است
رئیس آقای نویسی

نویسی - گمان میکنم که آقای یاسانی این جا بایک
اشتباهی کرده اند این که اتمام مالیات بطور کلی با اتمام
گمرکی یک بطور کلی نیست بلکه مبلغ معینی است که از عوارض

اسامی رأی دهندگان
آقایان: محمد ضابطی - ساسان - دهنر و شاعر - یاسانی - امیر ابراهیمی - ملک زاده - دکتر استقام - حاج میرزا حسین
خان نظامی - جوانمندی - خواجهی - انور - صفاری - میرزا صالحان اکبر - فروغ - قرشی - یات ماکو - دکتر مصدق خان - سیدی
توقی - نجفی - فرخی - قزوینی - دکتر تقیان - باستانی - دهنری - وزیر سهرابی - محمد ضابطی - مقدم - دادور - دولت شاهی
زیت - ملک مدنی - محمدی میرزا دولتانی - مسعودی - خراسانی - روسی - قاضی - مفتی - آریه جان یار علی - جعفری - یگان
سازمی - میرزا محمد مصدق - عبدالعزیز خان دیا - دکتر امیر اعظم - رحمان - قاضی - قزوینی - قزوینی - میرزا - طباطبائی دیا
کلی زاده - آملی - جعفری - میرزا احمد قلی - میرزا محمد خان گلکنار - نیکدل - پونس آقا و هب زاده - طالع خان - میرزا
حسین افشار - دکتر طاهری - سید کلام زیدی - تنه اسلانی - دبستانی - اسکندی - کلادونی - میرزا محمد حسین شویب -
فرزکی - طباطبائی - کاشانی - امیر فرزند - طهرانی - امیر دولتانی - میرزا یاس - دولتانی - مؤید احمدی - ملک آردلی - خرف
حسینی - دکتر شیخ - فضل خان خیار - لوزانی - میرزا سید احمد چلباشی - محمد تقی خان - لوزانی - لوزانی

گمرکی یک اشیای معاف شده است مثل سایر مخارج
مملکت که بنده است از این جهت به کمیسیون بودجه باید
مراجعه شود و در کمیسیون بودجه باید رسیدگی شود و یک
خرجه است که کمیسیون بودجه رفته است
رئیس - آقای وهنبا
وهنبا - عرض کنم که بنده دراصل این موضوع عرضی
ندارم فقط بفرماید واحد آقای وزیر مالیه شده
میکنم که چه زودی دارد قیدان که توسط کمیسیون وارد شده
الته این اشیاء توسط یک اشخاصی وارد می شود علت
ندارد که بفرماید واحد این بطور بگذرد

رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - بعقیده بنده این اشکالی که آقای وهنبا فرمودند
تقریباً وارد نیست برای این که باید قید شده باشد در لایحه
که معلوم باشد که این اشیاء توسط کمیسیون وارد شده برای این
که باید در لایحه ذکر شود که این اشیاء وارد شده
است چه چیز بوده است و چه مقدار بوده است توسط کمیسیون
وارد شده است همانطوریکه در لایحه نوشته شده است از جهت
نظر این که اشکالی فراهم نشود دولت اینطور در نظر
گرفته و عقیده بنده ضروری ندارد و ایرادی ندارد و بعینتی
هم عرض نیست

رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - عرضی ندارم
رئیس - آقای دیبا
قطبعلی دیبا - این جا نوشته میشود از اول اردیبهشت
و تاریخ ندارد از اول اردیبهشت ۱۳۰۸ آخر تیرماه
۱۳۰۸ باید نوشته شود (امیر تیمود - اردیبهشت همین

۳

سنة است) خبر از کجا معلوم می شود؟ باید واضح باشد این جا روشن نیست.

دکتر طاهر علی (مبصر کبیرون بودجه) - اینکه اردیبهشت تصریح نموده است برای این است که ملایم است که اردیبهشت همان سال است و علاوه بر آن که دولت هشتاد کرده است زیراات شصت بودجه است که وارد کرده باشد فقط یک مقدار ادویه داشانی است که برای دفع بلع وارد شده است در این تاریخ بدین معنی که لایحه فوک قانون کلی گذشت که تمام آنچه که برای دفع بلع وارد می شود از عواید کربک و مالیات راه معاف است این بود که این مقدار قبل از آن قانون بود که وضع شد این درایک قانون مخصوصی برایش آورده که معاف باشد.

رئیس - آقای دروسی فرمایشی دارید؟
رئیس - عرضی ندارم.
رئیس - آقای باستانی قانع شدید که این مطلب از وظایف کبیرون بودجه بود؟
باستانی - نظر مجلس این است بنده حرفی ندارم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایان موافقین در وقت سید مهندس خوانند داد (آخذ و تعداد آراء جدول آمده هفتاد و هفت و در وقت سید تعداد شد)

رئیس - در موقع اعلان آخذ آراء عدد حاضر ۸۹ نفر بودند با اکثریت ۷۸ رأی تصویب شد.

۴- ارجح حق العمل و حق المضاربه بودجه بود
رئیس - خبر دیگر از کبیرون بودجه:
خبر کبیرون:

کبیرون بودجه و عضو آقای سیاح معاونت وزارت مالیه لایحه نمره ۱۰۴۲۷ دولت راجع به حق العمل و حق المضاربه وجوه دولتی را مطرح نمود با توضیحاتی که از طرف نماینده وزارت مالیه داده شد کبیرون با اتمام واصله پیشنهادی اصلاحی موافقت و بانک داده و احوه ذیل را برای تصویب تقدیم مجلس مقدس متبادله:

ماده واحد - وزارت مالیه اجازه داده می شود که اولاً مبلغ صد چهل و هفت هزار و سیصد و سی و پنج تومان هفت فران و یکصد دینار پترش قبول؛

۱ - مبلغ چهل و هفت هزار و سیصد و پنجاه تومان چهار فران مابقی که پیش از اعتبار ۱۳۰۸ حق العمل داده شده

۲ - مبلغ هشتاد و دو هزار و نهمصد و چهل و دو تومان و سه فران و شصت و دینار مابقی که پیش از اعتبار ۱۳۰۸ حق المضاربه داده شد.

۳ - مبلغ پست و شش هزار و سیصد و چهل و هفت تومان و پانصد دینار حق المضاربه را که در سال ۱۳۰۹ بر پا می باشد حساب ۱۳۰۸ خزانه دار یکمل نقل کرده از اعتبارات بودجه ۱۳۰۸ و وزارت مالیه احساب بپردازند.

نایباً از منحل یکصد و پنجاه هزار و پانصد تومان اعتبارات حق العمل بانک ملی معوی در بودجه ۱۳۰۹ ملکی کلیه حق العمل و حق المضاربه وجوه دولتی را در بانکها بپردازد.

تألف حق العمل و حق المضاربه قسمتی از وجوه دولتی را که مربوط به مؤسسات انحصار تریاک و انحصار دخانیات است از منحل اعتبارات بودجه ۱۳۰۹ مؤسسات مزبور تأدی نمایند.

رئیس - ماده واحد مطرح است مخالفتی است. آقای دفتر **دفتری** - بنده هر چه لایحه را خواندم چیزی از حق بهیمن و بیخوابی است از آقای وزیر مالیه خواهش کنم که ایشان حق توضیحاتی در این باب بدهند که بهیمن قضیه از چه فرات است بدم که در مرتبه خواندم چیزی از حق بهیمن (چشمبندی - صحیح است)

وزیر مالیه - در سولات گذشته و همچنین در همین امسال هم در اول سال خیلی مشکل بوده است همیشه مشکل است که پیش بینی کامل کرده که در ظرف سال چقدر دولت مفرض می شود در حساب و چقدر باید حق المضاربه ایا کند لهذا جلور تخمین یک پیش بینی در لایحه بود داد مثلا فرض فرمایند دولت از اول سال تا آخر سال دو صد هزار تومان بطور مساعد و یا در حساب جاری مفرض می شود و فرغ این دو صد هزار تومان پیش حق المضاربه این را داد بودجه بگذارد ولی در ظرف سال پیش می آید و اتفاق می آید چنانچه در همین سال جاری نمی دانستیم که میباید می شوم که بطور مساعد و وجه متحرک از بانک یک مبلغی بگیریم و حق المضاربه آن منظور نماند بود و همین سال جاری بینه مثل سال گذشته است اگر بنا بود ما در سال جاری حق العمل بانک را که از تمام وجوه دولتی که از بانکت بولایات و از ولایات به پایتخت برای هر کدام یک حق العمل بدهد برای هر حرکتی که پول می کند دولت یک حق العملی بدهد شاید بالغ بر صد و پنجاه هزار تومان و دو صد هزار تومان می شد و فرغ این پولها پیش حق المضاربه این مبلغ کلی عاید می شد و علاوه بر این بایانهای دیگری غیر از بانک ملی هم کارهای دیگر داشت و به آنها هم حق العمل میداد در صورتیکه برای توضیح عرض می کنم که معنی روشن باشد امسال ما این صد و پنجاه هزار تومان را گذاشتیم در بودجه کل و اگر یک کار فوق العاده نمی کردیم این صد و پنجاه هزار تومان کافی نمی شد بلکه تا دو صد هزار تومان می رسید. این کار این بود که تا اواخر سال داخل مذاکره شدیم با بانک ملی و ما میخواستیم که در فرار گذاشت که بطور مطلق حساب کند و هر حق العملی را داده دانه حساب نکند و از اول سال تا آخر سال

یک مبلغ مطلق (هشتاد هزار تومان) بگیرد برای آن حق العمل. و برای مساعد وجه متحرک آنها هم شاید پانصد هزار تومان شانزده هزار تومان وست هزار تومان داشته باشد برای سایر بانکها هم همین اساله که نمی توانست کاری بکنم اگر این قانون را اصلاح کنیم عرض اینکه عبارت حق العمل بانکهای مختلفه و حق المضاربه وجوه دولتی نوشته باشد فقط یک لفظ نوشته شده است و حق العمل بانکهای بیانی که بانکهای دیگر حق العمل و فرغ داشته باشد بود چه این قانون نمی توانیم بدینم برای اینکه لفظ حق العمل بانک ملی نوشته شد. این قانون از سر تا پا یک اصلاح و یک صورت قانونی است بقصد از حق العمل بانکهای مختلفه بانکهای مختلفه و متفرقه و فرغی است که بان نقل کرده است در سال گذشته اصلاح آن خردش می کردیم و بگردد است در راست می کردیم، فقط دو آغرسال در او را اصلاح خزانه بپرداز آنکه حساب ما پیش رسیدگی کرده دید مابقی که از پانزاد از اوجه جهت منظور شد هشتاد هزار تومان بود و بانک چهل و هفت هزار و سی و دو تومان پیش از اول حق العمل در راسته است پیش حق و در راسته هشتاد و دو هزار و نهمصد و چهل و دو تومان پیش از آنچه که در بودجه منظور شده حق المضاربه در راسته علاوه بر این پانزاد یک ملون و هشتصد هزار تومان وجه متحرک ما مساعد از خود بانک گرفته بودیم. آنچه که از خود بانک پارسل حق المضاربه گرفته بودیم و حساب شده بود تا آخر سال این بود غیر از آن هشتاد هزار تومان پیش آنچه که پیشتر اخذ کرده بود ولی این بدیه یکملون و دو صد هزار تومان را در ظرف اسال بندرج دادیم آنوقت فرعی که در اسمال بازنسلی میکرد چون چیزی بود که از بودجه سال ماضی باید بدین امر آنکه چیزی بود که در سال گذشته اخذ شده بود و اصولاً شاید نمی توانستیم در سال گذشته بدینم اگر این قانون نکذرد پس در سال گذشته علاوه بر آن هشتاد هزار تومان که در بودجه برای فرغ و حق العمل منظور شده بود چهل و هفت هزار و سی و دو تومان پیشتر حق المضاربه به آن نقل کرده بود پارسل هشتاد و دو هزار و نهمصد و چهل و دو تومان پیشتر از حق المضاربه سال گذشته شش بود و

هنگام اسماعیل بکم پارتیزان پارسال نیست و عشق هزار و سیصد و پنجاه و هفت تومان حق الضاربه تعلق گرفته است. این است که دولت از مجلس اجازه می خواهد که باین عبارتی که نوشته شده احساب و پرداخت را اجازه بدهد. یعنی آن دویای اولاد که خود را یکم اخذ کرده باید قانونی کرده احساب کنیم و آن سومی را هم که پارسال تعلق میگردد باید از بودجه پانزده سال گذشته که هنوز دوره مجلس منقضی نشده است و همین اسمال وصول می شود در همین جا محسوب بکنیم. این با آن مطلب. مطلب دوم که قیلا "توضیحی در عرض کردم سه و پنج هزار و پانصد تومان اختیار حق العمل بانک ملی در بودجه منظور شده در صورتیکه حق العمل همه بانکها را از این جا باید بدهیم باقی می ماند. مطلب مهمی این بود که این حق العملها و حق الضاربه که انحصار نرمانک و انحصار دخانیات باشد عیوض است یعنی سرمایه انتقالی است. میگردد. میخرند. و دوداره پس میدهد. عایدات دولتی علیحدگی است. سرمایه انتقالی و تجاری علیحدگی است آنرا از جیب خودشان میدهند ولی این است و پنج هزار تومان چون دوداره بودجه ذکر شده است باید قانونی شود. عهده دیوب و مقصود تمام از این لایحه قانونی کردن آن چیزی است که در بودجه سرریج اظهار نشده بود و سایر چیز بودیم که برای همه این با تشریفات قانونی بمدل آورده باشیم و الا حق نداشتیم بدهیم. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ولیس - مذاکرات کافی است؟ (اظهار شد - بله)

اسامی رای دهندگان:

- آقبان، حیدری، وهنا، بیات - مسعود غراسانی - طارش خان - سنجلی میرزا دولتنامی - ملک مدنی - میرزا صادق خان اکر - سهراب خان ساکین - ارواب کفره شامخ - دادور - امیر نیرو - عربانی - قنوتی - مرزا حسینخان افشار - طهرانی - کتانی - حسین - ابوالحسن خان زیر - ارغوان - تفضل خان بخیار - دستان کرمانی - دکتر معاذ الله خان نسبی - عربانی - حاج میرزا حسینخان فطمی - غوازی - زهری - میرزا خانی - دکتر شیخ - قه الاصلی - مزید احمدی - دکتر طهرانی - اسکندری - امیر - میرزا محمد حسین نواب - مقدم چغتایی - زین ماکو - امیر عسری - مفر فرزند - دکتر بلک زاده - فرش - سید کاظم افر - رضا فریدن باستانی - امیر ابراهیم - فتح الله زفری - دکتر تیران - قنوسی - میرزا محمد طهرانی زریب - محمد علی - میرزا دولتنامی - ملک آرتانی - انصار - ملک زاده آملی - پاشای - ساری - میرزا سید محمد مصطفی - میرزا احمد خان صدیقی - دکتر احتشام - مقدم - مدنی - میر سید احمد صهبانی - میرزا یاسر - امیر دولتنامی - طباطبائی دیا - مولوی - محمد تقی خان احمد میرزا - محمد نادر کبیر - لاریجانی - امیر سهرابی - طباطبائی و کبیر

مزرعی شان را بر سر بنده عرض میکنم چرا منجمر کرده اید با ملاک مزرعی و سایر غیر منقول را منقول نکرده اید ما یک معاهداتی بسته ایم با دول خارجه استدلالات آبیانی را هم البته بنده در موقع خودش رد میکنم و معاهداتی دارم با دول و این لایحه بر طبق معاهده پیشنها کرده اند این معاهده البته تمام نکاتش نام و پندرجانش باید رعایت شود ما اگر این جا برخلاف مدلول آن معاهده مذاکره کنیم یک دلیلی خواهیم شد که آنها هم یک مخالفت هائی بر سر ما میکنند و بگویند که این شرط عملا در سابق لغو شده است زیرا در مجلس این شرط گنجه شده ما در حال باید وقت کنیم که مدلول معاهدات عملی شود و در معاهدات ذکر شده است که ابیاع خارجه فقط خانه و دکان باندازه لزوم داشته باشند لیکن است حالا آنها املاک مزرعی داشته باشند و علاوه بر ملک مزرعی میگویند است معطلات شهری زیاد داشته باشند و اجاره بدهند اگر شهری از جیب املاک مزرعی منقول میشود البته در شهری بیشتر است. (کلزوری - بله بیشتر است - قوی تر است) این است که تاروق این معاهدات بقوت خودش باقی است باینکه مطابق واقعیه را که آنها علاوه بر مقررات و عهود مالک املاک غیر منقول هستند دولت باید اینها را آنها می بخرد. فرایوس نکند ما با دولی طریق که آنها اسلاستانها را در زمین خودشان قبول ندارند ولی در ملک ما میل دارند ملک داشته باشند حالا منجمر نیست آنها. دیگران هم که در ملک خودشان اسنملاک دارند همان طور که در عهود با ما قرار گذاشته اند ما هم باید قبول کنیم و علاوه بر آن را اسم از آنکه املاک مزرعی باشد یا معطلات شهری خانه کاروا سارا دکان علاوه بر احتیاجات شخصی خودشان باشد نباید قبول کنیم. باید مطابق این قانون و همین شرایط دولت یا باید خریداری کنند یا بماندند که ایند البته مطابق شروطی که ضرر آنها هم نباشد بطوری باشد که آنها ملکشان را ببقیت معین بفروشند و پولشان

مزرعی شان را بر سر بنده عرض میکنم چرا منجمر کرده اید با ملاک مزرعی و سایر غیر منقول را منقول نکرده اید ما یک معاهداتی بسته ایم با دول خارجه استدلالات آبیانی را هم البته بنده در موقع خودش رد میکنم و معاهداتی دارم با دول و این لایحه بر طبق معاهده پیشنها کرده اند این معاهده البته تمام نکاتش نام و پندرجانش باید رعایت شود ما اگر این جا برخلاف مدلول آن معاهده مذاکره کنیم یک دلیلی خواهیم شد که آنها هم یک مخالفت هائی بر سر ما میکنند و بگویند که این شرط عملا در سابق لغو شده است زیرا در مجلس این شرط گنجه شده ما در حال باید وقت کنیم که مدلول معاهدات عملی شود و در معاهدات ذکر شده است که ابیاع خارجه فقط خانه و دکان باندازه لزوم داشته باشند لیکن است حالا آنها املاک مزرعی داشته باشند و علاوه بر ملک مزرعی میگویند است معطلات شهری زیاد داشته باشند و اجاره بدهند اگر شهری از جیب املاک مزرعی منقول میشود البته در شهری بیشتر است. (کلزوری - بله بیشتر است - قوی تر است) این است که تاروق این معاهدات بقوت خودش باقی است باینکه مطابق واقعیه را که آنها علاوه بر مقررات و عهود مالک املاک غیر منقول هستند دولت باید اینها را آنها می بخرد. فرایوس نکند ما با دولی طریق که آنها اسلاستانها را در زمین خودشان قبول ندارند ولی در ملک ما میل دارند ملک داشته باشند حالا منجمر نیست آنها. دیگران هم که در ملک خودشان اسنملاک دارند همان طور که در عهود با ما قرار گذاشته اند ما هم باید قبول کنیم و علاوه بر آن را اسم از آنکه املاک مزرعی باشد یا معطلات شهری خانه کاروا سارا دکان علاوه بر احتیاجات شخصی خودشان باشد نباید قبول کنیم. باید مطابق این قانون و همین شرایط دولت یا باید خریداری کنند یا بماندند که ایند البته مطابق شروطی که ضرر آنها هم نباشد بطوری باشد که آنها ملکشان را ببقیت معین بفروشند و پولشان

بلاغت حکیم بدایین نامه خود ۱۱ در صورتیکه حقیقتاً این از وظیفه بجز بیایست خارج است و چیزی نیست که مربوط قضای و احکام بیایست باشد در قانون لایحه است سابقاً ذکر شده در اینجا هم رجوع باینکه شده این امر عیناً به عقیده بدایینه این است رجوع باینکه شود پس از حکمه است پیشنهاد می نمود عرض کرد ام

وقرر علییه

وقرر علییه - چون پیشنهاد داده اند بنابر این به عقیده بدایینه بهر این است که در یک سوره در پیشنهادها ذکر کنیم

روحی - آقای کلاروی

روحی - عرض میکنم بنده از اول تا آخر جفت کردم به بنیم چه دلیلی دارد در موضوع خرید املاک مزدومی بر طبق عهود و مقررات ماسکه تا حالا هم جاری است انبعاث خارجه حق خریداری ندارد چون حق خریداری ندارد مالکیت برای آنها وجود پیدا نمیکند بن صورت میکنم بموجب این قانون با مالکیت آنها را تصدیق نمیکنم بعد یک تریبی لائل میگویم که بموم برود و اگر پول ندادم ملک در دست باشد و استفاده کند پس بنده هم توانم تعبیر کنم این لایحه را باین که این لایحه به نسبت میبکند مالکیت آنها را در املاک مزروعی و برخلاف عهود و مقررات ذکر شده و جاریه ما - این یکی و ثانیاً راجع باملاک غیر مزدومی که این جا مسکوت عنه ماده است اگر چه حضرت آقای روز توضیحی دادند و باید منتظر باشیم که لایحه اش بیاید لکن چون بنده یک پیشنهادی تهیه کرده ام در همین موضوع که املاک غیر مزدومی هم بقیده بنده اگر غیر محمود باشد تاچار خودشان نتوانند خریداری میکنند ممکن است عطرش بیش از املاک مزدومی باشد بنابراین البته پاسنی محمود باشد و دولت کاندلا مواظب باشد این است که بنده پیشنهاد کرده ام با اجازه وزارت داخله در حدود اجتناب و میثاقی که دارند اتباع و مؤسسات خارجی می توانند دارای املاک غیر مزدومی باشند. پیشنهاد را میدهم البته در کبیرون مورد دقت خواهد شد.

وقرر علییه - بنده عزم نمیر فرموده باین که لایحه را که ما آورده ام تصدیق مالکیت کرده ام و بآنکه خیلی گذشته است البته خاطر آقایان نیست بنده وارد آنستند لال ندیوم بنده فقط میخوانم یک وضعیت و از آقایان آقایان تشریح فرمایند بزرگ زمانهای یک حرفهای زده میشد و بکنفران می نمودی کاغذ می آمد پورسوا علم توجه - پورسوا اینکه بدست دفت و فکر نمیکردند که باین غفلت های ممکن است عوالم خوبی نباشند بنده آن ملهرات را مراعات نمیکنند. بنی حرفها حرف بود. بد آنطورها بنده انشعاری آمدند و برودند و در صورت امروزه بنا ملک می در دست دارند حالا بفرمایند امروزه کم ۱۱ از خودتان می رسم (کلاروی - پولتان بدید) صرف نظر از اینکه وارد شوم بدانکه حق بشی ما بیشتر تصدیق شستی میبکند کتبا مالکیت پس چون میباید فلان تربی - فلان فرزند فلان آدم مالک نمی تواند باشند با جا شیا آمده اند حق بدو برای او قائل نشود باید از او سلب میکنند. بنده وارد یک بحث های شتلی و فلسفی نمی شوم این هارا باید گذاشت بنده بخوام به بنیم از خطی نظر عمل چه جور خیال میکنید عمل کرد باید گذاشت بدستان بیاید با بد گفت که آنها پولتان از دستتان برود و ملکتان را بگیرند بدهند دست آن اشخاصیکه از اول خریده بودند (دکتر طهرانی - خبر) با بالاخره رای داد حلی میگرد که ملکتان را فروش و پولتانرا دستتان بدهم بنده عرض کردم آقا چه راه حلی پیشنهاد میکنید بنده راه عملی میبینم. بنده داخل آن قسمت نمی شوم والا ممکن است که از قضا نظر علمی ممکن است خیلی مطالب را بردارند زیر قدمین بگذارند و بدست بکنند و جزایانش را بدهند بدش یک شتاج و بر کهای که با چشم آدم نمیتواند بدید آنها را حس کند خوب آنها چنانی خود بنده اصلاً وارد آنها نمی شوم عرض میکنم بک علمه انشعاری بد یک دوره ای که امروز ما میخوانیم عمل آنها را تقبی بکنیم آسانند بآن پولی را دادمان ملک عدد از افراد این مملکت و بآن املاکی را مادم دست گرفته اند

اروزه باریز آنرا چکار خواهد کرد این ملک نیست با ما راجع نیست مردم که قبلاً بندهم بخرید دیگری فرمودند و بنده جوابی عرض کردم دیگر جوابی عرض نمی کنم پیشنهاد می آقا دادید می آید بد کبیرون در آنجا تکلیفش معلوم می شود بدهم در مجلس مطرح می شود

روحی - آقای روحی - عرضی ندارم روحی - آقای طهرانی

طهرانی - عرض میکنم چون ماده اول مطرح است بنده باز می توانم بد کلیات این لایحه صحبت کنم چله گذشته آقای بخیر بخرم بنده ارادوار کرده کتبا بد اساس موافق بود حق نباشند بد کلیات صحبت کید بنده بدست است - داداس - موافق ولی یک تقصیری نالان بود امروزه بیشتر میخواند که آقای وزیر عدلیه هم اظهار فرمودند شاید بواسطه ضعف دولت با چنانی که چه میدانم نبینود مسائل را سر از صحبت کرد و مطلب داخل کرد امروز الحماقه آن نگرانی را نداریم ما میخوانیم بگویم که بقدیم متواتر حقوق خودمان را حفظ کنیم بی توانیم بقاصدانان برسیم اساساً بنده این را حقیقتاً تحمل تقبیم البته این املاک مزدومی که انبعاث خارجه بزرگ مملکت نیاید داشته باشند برای انحصار علمی است برای یک بنفادی است فکر میکنم دولت که اگر دارای ملک مزدومی باشند ممکن است بکنند علمی اینها جزای آنها با پاسانی با انحصار تابع مملکت یا بنسرو می بمانند شرتو بکنند چلوار و بگیرند کتبا این طور شد آنوقت دلیل ندارد بماند پیشنهاد کنیم که کلیت در کور حوض سلیمان را در چند و بیابان هم اگر یکی از اتباع خارجه یا نیکان مزدومی باشند باید با مجبور شویم آنرا بخریم و از او بخریم خیر ما متواتر اینجا از قضا نظر صلاح مملکت پیشنهاد را بندهم در پیش تنظیم کنیم که سر سرس چهل فرسخ چهل و پنج فرسخ هر جدی که می دانم برای ما مصلحت است در سرحات مملکت اتباع خارجه حق ندارند باشند بد مزدومی داشته باشند چنانچه غیر مزدومی چون از قضا نظر سیاست و مصلحت مملکت صلاح مملکت بعضی هم نیست که بد حدود مملکت اتباع خارجه بماند برای

با چیزی و بجزایه هم بنگار است و اگر کسی بکسی بگوید بگوید: بوی سرخی میزند جوی آبش را میگیرد پس بنا بر این پنج جوی ندارد که يك نوبه آبرای مسلمان که بومه ایران بوده حالا بعبت ایران را قبول نکند خبر قبول میکند این است که بنده در ماه اول بکلی تمام بخورد که بگوید این است که بنده در مملکت ایران هر کسی مالک مزروعی از اتباع خارجه دارد دولت برود آری بان کینتی که نوشته شده است که بیگانه بنویسد بولتویوم شود و چه شود و چه شود که آقا را هم بنده تقریباً در جلسه عرض کردم حالا هم بخورد بنده عرض میکنم اینست: ملوم برود و تقویم بکند بنده دولت بخرد که تقویم بدست او باشد و ملوم مالکی است که بوبده ساله ما یکسای اجاره بدویم و اما اینکه آفتاب فوجی اظهار داشتند عقیده شان این بود که علاوه بر ملک مزروعی مستغلات هم حق ندارند دولت آنها را هم بخرد بنده از آفتاب فوجی سؤال میکنم تا آخر هم باید این را فکر میکنم که در خارج از تهران هم کرده ها ایرانی هستند و سکونت دارند و دارای املاک دارایی مستغلات هستند و با یک قانونی که اینجا وضع میکنم باید فکر بکنم که چه بنماید در ممالک خارجه ممکن است هوطنان ما هم کیشان ما در آنجا میلا شوند درین شهرین سیدمزار نگر ایرانی است و اکثر آنها دارای مستغلات هستند خوب کار بنا باشد مباح است سدهزار تومان درست هزار تومان مستغلاتی که در دست اتباع خارجه است اینکار را بکنند فوق آنهارا چه جور حفظ میکنند. مطابق مواهبات منجمله آنوقت هم حق دارند که مالک آنها را از دستشان بگیرند مستغلات آنها را از دستشان بگیرند آنها را رعایت کرد البته هر چیزی که مملکت مملکت اعیان میکند و مقتضی است ما با کمال میل و اولاد و رای بدویم با شما همراهم اما وقتی مملکت در مملکت اعیان بکند که فرض کنید یک خارجی در ویرانه زداریت مکتوب بکند چه بنویسد بولت دارد چه میتوان بکند الجمله وقتدر هستند و چه جور چلوگری میکنند. بلی بنده تصور میکنم که این ماده اول اگر اینطور اصلاح بشود که قابل شوند در سجدات نیست فرسخ سی فرسخ هر قدر که دولت صلاح ببندد

قبیل کند که فارای ملک نباشند و مسلک ملوم و ملوم و سر ملوم و آنها هیچکدام عملی نیست آنها عقیده ام این است که دولت را بجزت میبایست و با ملوم با ملوم با ملوم مهم است بیک حکومت زبانهی گرفتار بود شما امروز ملک مالکی را میخواهند بخرند ولی اینی دارد بخواهد پول بگیرد ولی اگر بخواهد ملوم همین کنید باک مالک بیست هزار توانی را صد هزار تومان قیمت میکند اما کسی خریدار نباشد اما امروز که بخواهند بخردن همان مالک صد هزار توانی را با بیست و پنجاه هزار تومان بشما میدهند
فصل نهم - بنده بر حسب قبل وقتیکه آفتاب طهرانی بیانی فرمودند فایر بمخالت با این لایحه متأسفانه از جلسه خارج شده بودم و آفتاب غیر جواب داده بودند و درست اطلاع ندارم از جوابهایی که آفتاب مقرر دادند بنده اگر گفته باشم (چون از فراموشیات آفتاب طهرانی محض استنباط کردم که آفتاب غیر گفتند این لایحه را همی آوردیم برای اینکه اتباع ایران که ترک تابعیت کرده ام بواسطه این لایحه مجبور شوند بمانند دومرانی قبول تابعیت بکنند) اگر اینطور بود است این نظر دولت نیست و دولت ایران همچونت چه مطابق مقررات سابق چه مقررات فعلی بکنند ایرانی با بدون اجازه خودی قبول میکنند که ترک تابعیت کنند بنا بر این است که یکسای ترک تابعیت بکنند ما را با این سبب متعجبم و اورا ایرانی میباید و با او طوری عمل میکنند که بایک نگر ایرانی عمل میشود با این تفاوت که مطابق قانون تابعیت که الان پیش عمل شده املاک غیر متقول اورا بریزند و بریزش پس هیچ الزام و اجباری نداشته و لایحه هم از این نقطه نظریست این را برای رفع سوء ظنم و برای اینکه نظر دولت طور دیگری تیرتیرتور عرض کردم. اما درج با اصل این لایحه که آفتاب طهرانی فرموده اند چه ضرری دارد اگر در کور کرمان کسی ملک داشت بلی آقا در کور کرمان یک کسی پیدا شد و آمده است و ملک پول نمایی داشته است برود در کور کرمان برود آنجا ملک بخرد چه ضرر دارد فرض بفرمایند در چندین اما دهتن هم خریدار خواهد یافت

(بنده نماندند که) و البته اگر آنجا باک همچو چیزی بود باک بگیری ممکن بود که عقیده نان در ملک باشد چون آری املاک مزروعی هم سبب میکنند موهول (گازروی شی نایک حساب کنند) ولی در هر حال صحبت در ملک املاک است ممکن است دولت ایران باک روزی در بیارند مملکت هم بنشیند بیاید و یک اجازه بدهد که اتباع خارجه یعنی از آنچه امروزه دارند دارند املاک غیر متقول بشوند و لیکن باک کارهایی که بر خلاف تربیب شده است این کارها را برایستی گفت چون بر خلاف تربیب شده و بعضی توجه بدهد اینست همینطور بسیار این اصل را نباید قبول بکنید. بنده عرض میکنم آنجا شما که تقریب آورده اند در بنده منزل و آنجا بدون اجازه من در ملک الهائی رفته اند نسبت به این از شما خواهی میکنم که از اینجا تقریب ببرد بدهم هم بکنم است باک رفته دعوت از اربابان برستم آنوقت تقریب بیاید این دو مسئله را از هم باید جدا کرد هم مخلوط نکنید (گازروی املاک غیر مزروعی هم باشد) عرض کردم پیشنهاد آقا را که بنده با دست خودم آوردم و این بتمام ریاست (بنده نماندند) پس گمان میکنم در این قسمت خود آفتاب طهرانی هم توجه بر فرماید حق بدهند آفتاب طهرانی رفته اند روی باک اصلی بنده دارم صحبت میکنم روی باک عملی آفتاب طهرانی دارند صحبت میکنند پیشتر از آنچه بنده گفته ام میکنم پیشتر از گذشته آفتاب طهرانی میگویند چه ضرر دارد این مملکت آباد شود بواسطه سرمایه و علم خراب میزند عرض میکنم باک خارجی عالی که بر خلاف باک برایی آمده اند و یک املاک مزروعی دارند آن املاک باید از دستشان گرفته شود (سحب است) برای اینکه عادت پیدا بشود که بگویند در این مملکت باک چیزی هم که بر خلاف قرار و تربیب است اگر باک عملی شد بگویند سیاه شده و باید عمل شود. شما با این نظریه بنده عقایدی آفتاب طهرانی (طهرانی اخیر) پس بنا بر این موافقتد حالا که موافق شدید بر دیگر مردم

راجع به این اجنبی که مبرط با این لایحه است بجهت اینکه فرمودند موافقتد در این اصل موافقتد بر کرده ام باین قسمت که مقوم چطور چون حالا صحبت محتلف اساس نیست حالا صحبت این است که مقوم همین سبب عملی هست با خبر آفتاب طهرانی بفرمایند عملی نیست بنده عرض میکنم عملی و لاچار از همین است کاری است که هر روز در این مملکت میشود اما آنجا از آن اشخاصی هستند که با طبقات مختلف مردم خبر دارند اشخاصی را پیشنهاد میکنند که بگذار هستند اشخاصی را پیشنهاد میکنند که طبکار هستند در عداده سروکار دارند حکوم میشودند ملکشان را چه جور بفرستند مقوم میآورند بفرماید میگذارند همین عملی است که هر روز میشود چطور شد که در مورد دولت این کار ممکن نیست چطور است که وقتی آمدیم باک مالکی را امروز تقویم کنیم مقوم در سوره ریگه هر روز در مملکت قانونی تقویم و عملی میشود در نقاط مختلفه مملکت پس بنا بر این تصور میکنم بواسطه این است که درست توجه بنده بدهد والا خودشان میدانند که سهل ترین کارها تقویم و فروش املاک است باک مالکی را آفتاب طهرانی در قسمت آخر فرمودند که بنده بمخترام وارد بشوم و هیچ هم منظر نبودم ایشان این فرمایش را بنده مسئله اینکه در بین شهرین ایرانها زیاد هستند و مالکی دارند و با آنها چه میکنند عرض میکنم قسمت اینکه حقوق اتباع ایران در خارجه چه جور است بنده خیال میکنم شما امروز بدون نگاری زیادی میبایستد و اما بدولت اعتماد داشته باشید (سحب است) گمان میکنم شما فکر نکنید که دولت این فکر را نکنند (سحب است) آرزوی و آن ساعت که در بین شهرین قرار گرفتند که هیچیک از انواع خارجه حق ندارند ملک داشته باشند مال ایرانی ما هم مثل دیگران بموجب قانون داخلی خودشان حق دارند ولی وقتی که بنده بیدگران اجازه داده میشود صرف نظر از اینکه از چه مملکت هستند

آن صورت نمایانند بایدند بگویند که برای ما اجازه داده نبودند مالک داشته باشند بیش از این بخواهیم وارد در این موضوع بقوم بحث بر این هم نمیتکنم و قطع هم داده باشد که دولت مطالب خواهد بود که حقوق آنهاست در هر جای دنیا باشند حفظ بقوم (صحیح است) **کاروری** - احسن

چون از نمایندگان - مذاکرات کافی است

ولیس - پیشنهادیات فراتر از اینست

پیشنهاد آقای قزوینی

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود. ماده اول - هر نیمه خارجه مکلف است در طرف ۶۰ مایز از تاریخ اجرای این قانون صورت املاک مزبور را و سایر اموال غیر منقول خود را که علاوه بر مقدار مقرر در عقود است با تعیین محل و مشخصات ... الخ.

پیشنهاد آقای طباطبائی دینا

پیشنهاد میمانم سطر دوم ماده اول بقریب ذیل اصلاح شود

صورت املاک مزبور را که مستوفی با غیر مستوفی مالک بودند با تعیین محل و مشخصات آن به پارک بداینی الی آخر

پیشنهاد آقای فتاحی خان بخیار و کاروری

بصره دوم را بجامه اول پیشنهاد میکنم هر یک از ابواب و مؤسسات نیمه خارجه و مؤسسات باندازه احتیاج مذاخل خود با اجازه وزارت داخله دارای املاک غیر مزبور باشند.

ولیس - ماده دوم فراتر میشود

مادوم - ولیس حکمه بدایتش پس از وصول صورت مذکور در ماده ۱ قومی را که از طرف اداره متبایه عمل برای تقویم املاک به حکمه معرفی میشود مأمور خواهد بود با قومی که از طرف دارنده ملک معین گردید ملک را تقویم نمایند

ولیس - آقای وزیر احمدی

ولی این ملازمه داشت بانک تقریباً که باعث بطره جریان است برای آنکه آقوت لازم میشد که ولیس حکمه بدایت پس از آنکه این اظهاریه نیمه خارجه باو رسید يك اختطاریه باین مالیه برسد که ثبات هم مؤتمنان را همین کنید و اگر گفته میشد که برای هر موضوع خاصی حکمه مکلف است اختطاریه مخصوصی برساند کارهای زیادی پیدا میشد که موجب بدارد و منظور هم توافق شد در کمیسیون بین اجازت که معین مقدار این عبارت از نقطه نظر اسامه مورین مالیه امر قانونی است و از نقطه نظر نظامات اداری وزارت مالیه دستور میدهد با منای مالیه که بموجب این قانون شما مکلفید

باور کلی يك قومی داشته باشید آقوت هر وقت يك چنین تقبیه می آمد آقوت ولیس حکمه آن مقوم را احتراز میکنند یا مقوم طرف و الا غیر از این عملی نیست اگر بخواهید برای هر موضوع خاصی يك مقوم خاصی معین خود از طرف مالیه و بالاخره يك ابلاغت و اختطاراتی بفرمایند يك اشکالی تولید میشود و عملاً میدیدم

شده است حکمه مالیه يك قومی همیشه دارد برای کارهای خودش.

پیش از نمایندگن - مذاکرات کافی است

ولیس - بصره پیشنهادی آقای وزیر احمدی فراتر میشود

بصره ۲ - پس از آنکه متصرف ملک مقوم خود را معرفی نمود دفتر حکمه بدایت بنامه عمل کتبا ابلاغ نموده که مقوم را در ظرف ۵ روز به محکمه معرفی نماید

ولیس - ماده سوم فراتر میشود

ماده سوم - اگر در تعیین قیمت ملک بین مقوم مالیه و مقوم دارنده ملک اختلاف نظر باشد مقوم برترانی بکنتر سر مقوم تعیین خواهند نمود و در صورت عدم ترانش ولیس حکمه و مدعی المدوم بدایت سر مقوم را معین خواهند کرد

تقویم سر مقوم در هر حال معین و قطعی خواهد بود **ولیس** - مدعی مدعی است (گفته شد - خبر) ماده چهارم فراتر میشود

ماده چهارم - هر مالک مزبوری که دارنده آن در بدایت مقرر بتکلیف مذکور در ماده اول عمل ننموده و بسبب این مقوم را از طرف ولیس حکمه و مدعی المدوم معین میشود تقویم خواهد شد در اینصورت دارنده مالک حق هیچگونه اعتراضی بر تقویمی که بعمل آمده نخواهد داشت

مقاله این ماده در مورد مالکی نیز جاری خواهد شد که مقوم معرفی شده از طرف دارنده مالک از تقویم خودداری میکند

ولیس - آقای کاروری

کاروری - بنده استدعا میکنم ...

ولیس - بکنتری لامل باقر باید عده کافی نیست

کاروری - چشم

(در اینوقت چند نفر از نمایندگان وارد مجلس شدند)

ولیس - آقای کاروری بفرماید

کاروری - استدعا میکنم که آقای وزیر محترم يك توضیحاتی بدهند البته در کمیسیون و شتر دقت شده و اطرف کاردار بهتر دیده اند چه جدولی دارد که در اینجا آمده اند یک خرده کارهایی قابل شده اند برای مالکیت اشخاصی که ملکی را برخلاف عقود مالکیت ثبت کرده اند دولت اشکالاتی ایجاد شده است معلوم میشود همین قیمت دادن پول و ثاباً بر گرداندن پنخود مالک بدین توضیح خودش باشد و اشتباه که الی آخر مقومها و سر مقومها مثل معینها با سر معینها که از طرف وزارت مالیه رفته و چه خساراتی و اشکالاتی برای دولت قابل شدند که تاخذه البته بواسطه خساراتی که برای دولت قابل شدند معینزی درست نشد و بعداً هم بنده عرض میکنم که از همین راه معینزی درست نخواهد شد حالا بنده کار ندارم

قومی که معین میکنند از کجا باید دانست و واقفاً مطابق واقع تعیین قیمت میکنند و آیا دولت تکلیفی هست یا اینکه امکان دارد که یک پول هنگفتی خاستر بکشد که هر مالکی که مقوم تقویم کرد پولش را بدهد و اگر نه

و گردانید و صاحب ملک بده عرض میکنم که در این باب و مواد سابقین با اینطور قابل شده بودیم که مالک این ملک بداریم این ملک ثابت تمام صورت بدهیم - تمام که است شش ماه کماست یکسال تکلیف است - ملکین را فروشد خودش چه جور فروشد و اگر در ظرف این یکسال ملکین را فروخت این ملک از ملکیت او خارج میشود و از صرف او خارج میشود خریدار ملک مزایاها است بده عرض میکنم بشکلی را که دولت بتواند قاجاری است همینکه گفت حراج می شود بینه بقدر خریدار پیدا می شود مکرر واقع شده مالی را که در قاجاری قاجاری کرده و حراج میکند کرانتر از زمانی که دو غیر این مورد است خریدار میدادیم البته اگر مالک این ملک بخواهد ملکین را بفرشد بطور عادی ملکین را بفروشد و به مفهوم بخواهد تصرف دولت هم دچار اشکالی نمی شود و نه نایباً چندان برسرگردد که بدست آنها انانی باقی بماند که بخواهند بفرستند در طرف مدت یکسال ملکین را بفروشد که آسوده شود بده خواستم توضیح بدهم که در پیشچه اشکالی دارد.

مجلس - عرض میشود در قسمت فرمایشات اولتان یک مذاکره ای قیلاً شد و ایراد کردند و آقای وزیر عدلیه جواب دادند و اجماع اینکه چه باعث شده است که بخواهند تیت بکنند مالکیت آنها را اولاً مقصود این نیست هر قدر شما ترضی اتخاذ کنید برای سلب مالکیت آنها و برای دفع بد غائبان آنها بالاخره یکنه مقدمه بخواهد که موادی تنظیم شود و از یک جای شروع شود و منتهی شود برقع بد آنها ابتدا باید بشاز حل شروع با غیر مشروع آرا فرض کرد در پیش از مواد این لایحه است که اتباع خارجه ممکن است دارای ملک باشند بد اتباع ایران بدهند اگر چنانکه بعضی از آقایان بگویند که ما بطور کلی ترضی از بدیم آتوت بد آن ممالک هم باید تمسکین بنمود در موردیکه دولت باید همچون نظری داشته باشد و البته بدارد یک کسی نیمه خارجه است یکسال

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(۷- موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه)

ولیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم (صبح است) جلسه را ختم میکنم ولی لازم است که خاطر آقایان اعضا کمیسیون خارجه را بدین نکته توجه کنم که دو عده نامه و حدیق ملیت جو تر از اتباع دولی که بخواهیم استخدام کنیم متوقف و جنود کمیسیون خارجه است ولی بدفته گذشته هر چه تلاش کردم کمیسیون خارجه تفکیک نند از آقایان خواهش میکنم که اقامت تکالیف خودشان را بکنند و بد ساعت عالی که دعوت میکنند بیاند چله آتیه دوشنبه ۲۷ - ساعت هفت و نیم (یک نفر از نمایندگان - چه روزی) - حالا بده کلمه شب را حذف کردم که اشتباه ننود.

دوشنبه ۲۷ ساعت ولیم دستور بده لایحه موجوده و لوازمی که حاضر میشود.

[مجلس ساعت دم و نیم بعد از ظهر ختم شد]

ولیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

نهم بودجه سال ۱۳۱۹ مجلس شورای ملی

باده واحد - برای تده خارج سال ۱۳۱۹ مجلس شورای ملی مبلغ هفتاد هزار تومان از محل صرفه جویی بودجه ۱۳۱۹ ملکی بشارت مجلس شورای ملی اعتبار داده میشود که از وزارت مالیه در یافت دارد. این قانون که مقبول بر یک باده است در جلسه شانزدهم همین ماه یکمزارو سیصد و نه شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون

اجازت معافیت اشیاء وارده جهت دفع مبلغ بوسیله وادورین دولت شوروی از مالیات واه و حقوق و عوارض گمرکی باده واحد - وزارت مالیه مجاز است ادویه و اشبالی را که از اول اردیبهشت تا پانزدهم تیر ماه ۱۳۰۸ توسط وادورین دولت شوروی برای دفع مبلغ وارنده از مالیات واه و حقوق و عوارض گمرکی معاف نماید. این قانون که مقبول بر یک باده است در جلسه شانزدهم همین ماه یکمزارو سیصد و نه شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.

قانون

واجب به حق العیال و حق البضایره و جود دولتی دستورات ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹

باده واحد - وزارت مالیه اجازه داده میشود که :
 اولاً - مبلغ صد چهل و هفت هزار و سیصد و پنجاه تومان هفت قران و یکصد و پنجاه شرح ذیل :
 ۱ - مبلغ چهل و هفت هزار و سیصد و پنجاه قران بقیلی که پیش از اعتبار ۱۳۰۸ حق العیال داده شده
 ۲ - مبلغ هفتاد و هزار و سیصد و چهل و نه تومان و سه قران و شصت و چهار بقیلی که پیش از اعتبار ۱۳۰۸ حق البضایره داده شده.
 ۳ - مبلغ بیست و شش هزار و سیصد و چهل و هفت تومان و پانصد و پنجاه حق البضایره را که در سال ۱۳۰۹ برانقیده حساب ۱۳۰۸ خزانه داری کل بمانی گرفته از اعتبارات بودجه ۱۳۰۸ و وزارت مالیه احتساب با پرداخت نمایند.
 ثانیاً - از محل یکصد و پنچ هزار تومان اعتبار حق العیال بانک ملی بموجب بودجه ۱۳۱۹ ملکی کلیه حق العیال و حق البضایره و جود دولتی را در بانکها بپردازد
 ثالثاً - حق العیال و حق البضایره قسمتی از وجوه دولتی را که مربوط بمؤسسات انجمنار خدایات است از محل اعتبارات بودجه ۱۳۰۹ مؤسسات مزبور تأدیبه نمایند.
 این قانون که مقبول بر یک باده است در جلسه شانزدهم همین ماه یکمزارو سیصد و نه شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.